



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سید علی محمد شیرازی ملقب به باب

مصطفی حسینی طباطبائی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سید علی محمد شیرازی (ملقب به باب)

نویسنده:

مصطفی حسینی طباطبائی

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ سید علی محمد شیرازی (ملقب به باب)
۶ مشخصات کتاب
۶ سید علی محمد شیرازی (ملقب به باب)
۸ عقاید
۹ آثار
۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سید علی محمد شیرازی (ملقب به باب)**مشخصات کتاب**

مؤلف: مصطفی حسینی طباطبائی

دانشنامه جهان اسلام

بر گرفته از:

سید علی محمد شیرازی (ملقب به باب)

از مدعیان بابت امام دوازدهم شیعیان که بعدها مدعی مهدویت و نبوت شد در ۱۲۳۵ در شیراز به دنیا آمد. در کودکی به مکتب شیخ عابد رفت و در آنجا خواندن و نوشتن و سیاه مشق آموخت. شیخ عابد، از شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود (اشراق خاوری، ص ۶۳ - ۶۴) و از همان دوران، سید علی محمد را با نام رؤسای شیخیه (احسائی و رشتی) آشنا کرد، به طوری که چون سید علی محمد در نوزده سالگی به کربلا رفت، در درس سید کاظم رشتی حاضر شد (فاضل مازندرانی، ظهورالحق، ج ۳، ص ۹۷). در مدتی که نزد سید کاظم رشتی شاگردی می کرد، با مسائل عرفانی و تفسیر و تأویل آیات و احادیث و مسائل فقهی به روش شیخیه آشنا شد و از آرای شیخ احمد احسائی آگاهی یافت (همو، اسرار الآثار خصوصی، ج ۱ ص ۱۹۲ - ۱۹۳). به علاوه به هنگام اقامت در کربلا از درس ملاصادق خراسانی که او نیز مذهب شیخی داشت، بهره گرفت و چندی نزد وی بعضی از کتب ادبی متداول آن ایام را خواند (همو، اسرار الآثار، ج ۴، ص ۳۷۰). در ۱۲۵۷ به شیراز برگشت و به وقت فرصت، مطالعه کتب دینی را فراموش نمی کرد و به گفته خودش (همو، ظهورالحق، ج ۳، ص ۴۷۹): و لقد طالعت سنابرق جعفر العلوی و شاهدت بواطن آیاتها «همانا کتاب سنابرق، اثر سید جعفر علوی (مشهور به کشفی) را خواندم و باطن آیاتش را مشاهده کردم» علی محمد گذشته از دل بستگی به اندیشه های شیخی و باطنی، به «ریاضت کشی» نیز مایل بود و به هنگام اقامت در بوشهر در هوای گرم تابستان از سپیده دم تا طلوع آفتاب و از ظهر تا عصر بر بام خانه رو به خورشید اورادی می خواند (اشراق خاوری، ص ۶۷). پس از درگذشت سید کاظم رشتی، مریدان و شاگردان وی، جانشینی برای وی می جستند که به قول ایشان مصداق «شیعه کامل» یا «رکن رابع» (شیخیه) باشد و در این باره میان چند تن از شاگردان سید کاظم رقابت افتاد و علی محمد نیز در این رقابت شرکت کرد، بلکه پای از جانشینی سید رشتی فراتر نهاد و خود را «باب» امام زمان علیه السلام یا «ذکر» او، یعنی واسطه میان امام و مردم، شمرد. ادعای علی محمد چون شگفت آورتر از دعاوی سایر رقیبان بود، واکنش بزرگتری یافت و نظر گروهی از شیخیان را به سوی وی جلب کرد و هجده تن از شاگردان سید کاظم که همگی شیخی مذهب بودند (و بعدها سید علی محمد آنها را حروف «حی» نامید) پیرامونش را گرفتند (آیتی، ج ۱، ص ۴۳). علی محمد در آغاز امر، بخش هایی از قرآن کریم را با روشی که از مکتب شیخیه آموخته بود، تأویل کرد و در آنجا به تصریح نوشت که امام دوازدهم شیعیان او را مأمور داشته تا جهانیان را ارشاد کند و خویشتن را «ذکر» نامید، چنان که در آغاز تفسیرش بر سوره یوسف می نویسد: الله قد قدر ان یخرج ذلک الکتاب فی تفسیر احسن القصص من عند محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علی عبده لیکون حجه الله من عند الذکر علی العالمین بلیغا همانا خدا مقدر کرده که این کتاب از نزد محمد پسر حسن پسر علی پسر محمد پسر علی پسر موسی پسر جعفر پسر محمد پسر علی پسر حسین پسر علی پسر ابی طالب بر بنده اش برون آورد تا از سوی ذکر (سید علی محمد) حجت بالغه خدا بر جهانیان باشد.» (احسن القصص، ص ۱). پس از مسافرت با محمد علی بارفروش (یکی از مریدان خود) به سوی مکه و بازگشت به بوشهر، دستور داد تا در یکی از مساجد بوشهر عبارت «شهد ان علیا قبل نبیل باب بقیه الله» را در

اذان داخل کنند (نجفی، ص ۱۶۸) که تصریح دارد علی نبیل (که به حساب جمل با علی محمد برابر می شود) باب امام دوازدهم شیعیان است. همین که مدتی از دعوت وی سپری شد و گروهی به او گرویدند، ادعای خود را تغییر داد و از مهدویت سخن به میان آورد و گفت: «منم آن کسی که هزار سال می باشد که منتظر آن می باشید» (حاجی میرزاجانی کاشانی، ص ۱۳۵) و سپس به ادعای نبوت و رسالت برخاست و به گمان خود، احکام اسلام را با آوردن کتاب بیان نسخ کرد و در آغاز آن نوشت: «در هر زمان خداوند جل و عز، کتاب و حجتی از برای خلق مقدر فرموده و می فرماید در سنه هزار و دویست و هفتاد از بعثت رسول الله، کتاب را بیان، و حجت را ذات حروف سبع (علی محمد که دارای حروف سبع است) قرار داد» (بیان عربی، ص ۳). بدین ترتیب، علی محمد هر چند زمانی، دعاوی خود را به مقامات بالاتری تغییر می داد و سخنان پیشین را برای یارانش تأویل می کرد و آنان را در پی خود می کشید. پس از بازگشت سید علی محمد به بوشهر (در زمانی که هنوز از ادعای باییت امام زمان فراتر نرفته بود) به دستور والی فارس در رمضان ۱۲۶۱ دستگیر و به شیراز فرستاده شد. در شیراز او را تنبیه کردند، آن گاه نزد امام جمعه آن شهر، اظهار توبه و ندامت کرد و به قول یکی از موافقان خود بر فراز منبر در حضور مردم گفت: «لعتن خدا بر کسی که مرا وکیل امام غائب بداند. لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند» (... اشراق خاوری، ص ۱۴۱). پس از آن، شش ماه در خانه پدری خود تحت نظر بود و از آنجا به اصفهان و سپس به قلعه ماکو تبعید شد. در دورانی که در آن قلعه زندانی بود، با مریدانش ملاقات و مکاتبه داشت و از این که می شنید آنان در کار تبلیغ دعاوی او می کوشند به شوق می افتاد و سخنانی را با عنوان کلمات الهی به مریدان عرضه می داشت، چنان که کتاب بیان را در همان قلعه نوشت (یزدانی، ص ۱۳). دولت محمد شاه قاجار، برای آن که پیوند او را با مریدانش قطع کند در صفر ۱۲۶۴ وی را از قلعه ماکو به قلعه چهریق، در نزدیکی ارومیه، منتقل کرد. در اواخر سلطنت محمد شاه، به دستور حاجی میرزا آغاسی - وزیر محمد شاه - سید علی محمد را از قلعه چهریق به تبریز بردند و مجلسی را با حضور ناصرالدین میرزا (که در آن وقت ولیعهد بود) و چند تن از علما ترتیب دادند و سیدعلی محمد را در آن مجلس حاضر کردند. علی محمد در آنجا آشکارا از مقام مهدویت خود سخن گفت و «باییت امام زمان» را که پیش از آن به تصریح ادعا کرده بود به «باییت علم خداوند» تأویل کرد و چون از او در باره برخی مسائل دینی پرسیدند، از پاسخ فرو ماند و همین که از وی سوال شد: از معجزه و کرامت چه داری؟ گفت: اعجاز من در این است که برای عصای خود آیه نازل می کنم و به خواندن این فقره آغاز نمود: بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله القدوس السبوح الذی خلق السموات و الارض کما خلق هذه العصا آیه من آیاته، و اعراب کلمات را به نحو قاعده نحو غلط خواند، زیرا تاء را در «السموات» مفتوح قرائت کرد و چون گفتند: مکسور بخوان! ضاد را در الارض مکسور خواند! امیراصلان خان که در مجلس حضور داشت گفت: اگر این قبیل فقرات از جمله آیات شمرده شود، من هم می توانم تلفیق کنم و گفت: الحمد لله الذی خلق العصا کما خلق الصباح و المساء (فاضل مازندرانی، ظهور الحق، ج ۳، ص ۱۴، تصویر نامه ناصرالدین میرزا به محمد شاه قاجار). پس از آشکار شدن عجز سید علی محمد در اثبات ادعای خود، وی را چوب زده تنبیه نمودند و او از دعاوی خویش تبری جست و اظهار پشیمانی کرد و خطاب به ولیعهد، توبه نامه رسمی نوشت. صورت توبه نامه علی محمد را یکی از مریدانش در کتاب خود، چنین آورده است: فداک روحی، الحمد لله کما هو اهله و مستحقه که ظهورات فضل و رحمت خود را در هر حال بر کافه عباد خود شامل گردانیده، فحمد الله ثم حمدا که مثل آن حضرت را بینوع رأفت و رحمت خود فرموده که به ظهور عطفش عفو از بندگان و ستر بر مجرمان و ترحم به داعیان فرموده. اشهد الله و من عنده که این بنده ضعیف را قصدی نیست که خلاف رضای خداوند عالم و اهل ولایت باشد. اگر چه بنفسه، وجودم ذنب صرف است ولی چون قلبم موقن به توحید خداوند جل ذکروه و به نبوت رسول او و ولایت اهل ولایت اوست و لسان مقرر بر کل ما انزل من عند الله است. امید رحمت او را دارم و مطلقا خلاف رضای حق را نخواسته ام و اگر کلماتی که خلاف رضای او بود از قلم جاری شده، غرضم عصیان نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را... و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط به ادعایی باشد و استغفر الله ربی و اتوب الیه من

ان ینسب الی امر. و بعضی مناجات کلمات که از لسان جاری شده، دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی نیابت خاصه حضرت حجه الله علیه السلام را محض ادعا مبطل است و این بنده را چنین ادعایی نبوده و نه ادعایی دیگر. مستدعی از الطاف حضرت شاهنشاهی و آن حضرت را چنان است که این دعاگو را به الطاف و عنایات سلطانی و رأفت و رحمت خود، سرفراز فرمایند». (گلپایگانی، ص ۲۰۴ - ۲۰۵). بدین سان سید علی محمد از دعاوی خود بازگشت ولی توبه او، صوری بود چنان که پیش از توبه اخیر، در شیراز نیز بر فراز منبر و در برابر مردم، نیابت و بابت خود را انکار نمود اما چیزی نگذشت که ادعای بالاتری را به میان آورد و از پیامبری و رسالت خویش سخن گفت. در اواخر سلطنت محمد شاه و پس از مرگ او (۱۲۶۴) از سوی مریدان علی محمد، آشوب هایی در کشور پدید آمد که از جمله، رویداد قلعه شیخ طبرسی در مازندران بود. در این آشوب، جمعی از بایبان به رهبری ملاحسین بشرویه ای ملا محمد علی بارفروشی، قلعه طبرسی را پایگاه خود قرار دادند و اطراف آن خندق کردند و خود را برای جنگ با قوای دولتی آماده ساختند. از سوی دیگر بر مردم ساده دل که در پیرامون قلعه زندگی می کردند، به جرم «ارتداد» هجوم آورده به قتل غارت ایشان می پرداختند، به گونه ای که یکی از بایبان می نویسد: «جمعی رفتند و در شب یورش برده، ده را گرفتند و یک صد و سی نفر را به قتل رسانیدند. تتمه فرار نموده، ده را با حضرات اصحاب حق، خراب نمودند و آذوقه ایشان را جمیعا به قلعه بردند (حاجی میرزا جانی کاشانی، ص ۱۶۲) و چنین می پنداشتند که یاران مهدی موعودند و به زودی جهان را در تسخیر خود خواهند گرفت و بر شرق و غرب فرمانروایی می کنند؛ چنان که بابی مذکور می نویسد: «حضرت قدوس (محمد علی بارفروشی) می فرمودند که: ما هستیم سلطان به حق و عالم در زیر نگیں ما می باشد و کل سلاطین مشرق و مغرب به جهت ما خاضع خواهند گردید» (همانجا). پس میان ایشان و نیروی دولتی جنگ در گرفت و فتنه آنان با پیروزی قوای دولت و کشته شدن ملا محمد علی بارفروشی در جمادی الثانی ۱۲۶۵ پایان گرفت. در زنجان نیز شورش به سر کردگی ملا محمد علی زنجان پدید آمد که به شکست بایبان انجامید. (۱۲۶۶) در تهران نیز گروهی از بایبان به رهبری علی ترشیزی بر آن شدند تا ناصرالدین شاه و امیرکبیر و امام جمعه تهران را به قتل رسانند، اما نقشه آنان کشف شد و ۳۸ تن از سران بایبان دستگیر و هفت تن از آنها کشته شدند. شکفت آنکه مریدان سید علی محمد در جنگ های قلعه طبرسی زنجان از مسلمانی دم می زدند و نماز می گزاردند و از «بابت» سید علی محمد جانبداری می کردند (آیتی، ج ۱، ص ۱۹۵، ۱۶۳) ظاهرا در آن هنگام هنوز ادعای مهدویت و نبوت وی بدیشان نرسیده بود. از این رو به اعتراف وقایع نگاران بابی، برخی از بایبان به محض این که در «بدشت» از ادعای مهدویت سید علی محمد و تغییر احکام اسلام با خبر شدند، به شدت از او روی گرداندند (همان، ج ۱، ص ۱۳۰). پس از مرگ محمد شاه و بالا- گرفتن فتنه بابیه، میرزا تقی خان امیرکبیر - صدراعظم ناصرالدین شاه - مسامحه در کار سید علی محمد باب را روا ندید و تصمیم گرفت او را در ملاءعام به قتل رساند و از این راه، آتش شورشها را فرونشاند و برای این کار، از برخی علما فتوا خواست. ولی به گفته ادوارد براون: «دعاوی مختلف و تلون افکار و نوشته های بی مغز و بی اساس و رفتار جنون آمیز او علما را بر آن داشت که به علت شبهه خبط دماغ، بر اعدام وی رأی ندهند» (نجفی، ص ۲۵۲). با وجود این، برخی از علما که احتمال خبط دماغ را درباره سید علی محمد را نمی دادند و او رامردی دروغگو و ریاست طلب می شمردند به قتل وی فتوا دادند و سید علی محمد به همراه یکی از پیروانش در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ در تبریز تیرباران شد.

عقاید

سید علی محمد باب از آغاز دعوت خود، عقاید و آرای متناقضی ابراز داشت، آن چه از مهم ترین کتاب او نزد پیروانش، یعنی کتاب بیان، فهمیده می شود آن است که وی خود را برتر از همه انبیاء الهی می انگاشته و مظهر نفس پروردگار می پنداشته است (بیان عربی. ص ۱) و عقیده داشته که با ظهورش، آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن، به پا شده است (لوح هیکل الدین،

ص ۱۸). به علاوه، سید علی محمد خود را مبشر ظهور بعدی شمرده و او را (من یظهره الله) خوانده است و در ایمان پیروانش بدو، تأکید فراوان دارد (بیان عربی. ص ۵-۶). سید علی محمد در حقانیت این آراء پافشاری نموده و نسبت به افرادی که بابتی نباشند، خشونت بسیاری را سفارش کرده است. چنان که در الواح بیان، در باره وظیفه اولین فرمانروای بابی، می گوید: «لا تذر (کذا) فوق الارض اذا استطاع احدا غیر البابیین» (لوح هیکل الدین، ص ۱۵) چون (فرمانروای بابی) توانایی یافت، هیچ کس - جز بابیها - را بر روی زمین باقی نگذارد» و در بیان فارسی فرمان می دهد که همه کتابها را محو و نابود کنند جز کتبی که درباره آیین وی پدید آمده یا می آید (ص ۱۹۸) و هم چنین تأکید کرده است که پیروانش جز کتاب بیان و آن چه بدان وابسته می شوند، نیاموزند (بیان عربی، ص ۱۵). افکار سید علی محمد باب، مجموعه ای از برخی آرای شیخیان و باطنیان (تأویل گرایان) و صوفیان و کسانی که به علم حروف و اعداد گرایش داشته اند و پاره ای از دعاوی شخصی بوده است.

آثار

سید علی محمد باب آثاری چند از خود به جای نهاده که برخی از آنها چاپ شده و پاره ای دیگر به دلیل کشاکشهای داخلی میان پیروانش هنوز به چاپ نرسیده است. جز آثاری که پیش از این نام بردیم برخی از کتابهای دیگر او عبارت اند از: پنج شأن، دلائل السبعه، صحیفه عدلیه، تفسیر سوره کوثر، تفسیر سوره ی بقره، قیوم الأسماء، کتاب الروح. آثار سید علی محمد باب غالباً به زبان عربی نوشته شده و مملو از اغلاط صرفی و نحوی است. البته وی کوشیده - برای آن که نشان دهد سخنانش رنگ قرآنی دارد - گفتارش را با سجع و وزن همراه سازد و با آن که تنها معجزه خود را همین سخنان می شمارد (بیان عربی، ص ۲۵) تکلف و ابتذال در عباراتش سخت آشکار است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۰۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

